

یوسف عزیزی بنی طرف

ادب مقاومت اثر دکتر غالی شکری و ترجمه دکتر محمدحسین روحانی را اخیراً نشر نو به بازار کتاب عرضه کرده است. در نگاه نخست چنین برمی آید که این کتاب، تنها پیرامون ادب پایداری در جهان عرب است. اما با اندک تأمل و خواندن فصل‌های دوازدهم گاه‌گاه در خواهیم یافت که دکتر غالی شکری - نویسنده دانشور مصری - قلم‌های ادب مقاومت جهانی را دست‌نخس کرده و اثری فراگیر و زرف فراوی خواننده قرار داده است.

کتاب، اندیشه و خیال ما را برمی‌انگیزاند تا با مقاومت انسان در برابر کژی‌ها، ناروایی‌ها و دشواری‌های طبیعی و اجتماعی آشنا شویم. به صراحت آهنگ گام‌های روح بلند آدمی بر مرکب ادبیات در پهنه گیتی گوش دهیم و مقاومت ادبی در برابر شرایط طبیعی و اجتماعی را در ادبی که خود رساننده معنی جاودانگی و پایداری در برابر زمان است لمس کنیم.

"ادب پایداری" دارای سه بخش و دوازده فصل است که بخش نخست درباره داستان‌سرایی، بخش دوم پیرامون نمایشنامه‌نویسی و بخش سوم درباره شعر است. نویسنده، پیش در آمد کتاب را با بررسی "مرد پیر و دریا" ی همینگوی و مقایسه آن با افسانه "یونانی سرخ" می‌آغازد. "آفرینش ادبی" را "دانا و اکسی" اساسی در برابر عوامل ثانوی و سسی که در لحظات شکست به انسان روی می‌آورد توصیف می‌کند و با کاوشی فشرده در شعر و داستان و نمایشنامه معاصر عربی و جهانی به تفاوت میان ادب و ادب پایداری می‌رسد. سه بعد بنیادی را در هر اثر ادبی که از امتیاز افتخار آفرین پایداری برخوردار باشد به ما می‌شناساند. "جنین اثری ممکن است مطلقاً انسانی یا محدود در حدود ناسیونالیستی و یا دارای حبه‌های اجتماعی با رنگ و بوی مردمی آن باشد. وی نقش ادبیات را در زندگی غیرقابل انکار می‌داند: "این نقش عبارت است از انگیزش غریزه، پایداری و تولید نیروی ایستادگی در جان آدمی به هنگامی که آن غریزه خفته و این نیرو با گذشت روزگاران رو به کاستی نهاده باشد".

دکتر غالی شکری در فصل یکم: "نمودگار

قهرمانی در ادب پایداری با موشکافی یک منتقد ریزبین و ظریف، داستان‌های "ماه پنهان است" جان اشتاین‌بک، "سرنوشت بشر" آندره مالرو، "سرنوشت یک انسان" تولوخوف، "خاموشی دریا" ی و رکور و "پلی بر رودخانه" درینا ی ایواندریچ را به مثابه جنبه‌هایی از داستان‌سرایی مقاومت تشریح می‌کند. فصل دوم کتاب: "درخشندگی پایداری قهرمانی در میراث فرهنگ توده‌ای" ملت عرب را بازمی‌نماید و از ریشه‌های اسطوره‌ای و تاریخی حماسه‌هایش در روزگار جاهلیت و پس از اسلام سخن می‌گوید. فصل سوم به "قهرمان پایداری در داستان‌سرایی سویی مصری" اختصاص دارد.

در این فصل با بژنی از آثار ادبی داستان - سوییان سرآمد مصری آشنا می‌شویم. توفیق - الحکیم، حبیب محفوظ، احسان عبدالقدوس، یوسف ادیس و خاتم لطفه‌ریات، که جایگاه خود را در ادب جهانی ساز یافته‌اند. داستان‌سرایی مصر از آغازهای سده بیستم " انقلاب ۱۹۱۹ (مصر) و حبش‌های دهه ۳۵ و ۴۰ و ۵۰ را نگارگری کرده... و روح صریح خورندگی و لحظه‌های شکست را پیش از هنگامه پیروزی و روزهای شادمانی بازتابانده است."

"قهرمان پایداری در داستان‌سرایی فلسطین" که فصل چهارم را نشان می‌دهد به آثار دوش از شخصیت‌های برجسته عرصه داستان‌نویسی فلسطین، حلیم برکات و غسان کفانی می‌پردازد. در فصل پنجم: "قهرمان پایداری در داستان‌سرایی الجزایر" با ادبیاتی آشنا می‌شویم که نه فرانسوی است و نه عربی بلکه مهر "ادب الجزایر" را بر پیشانی دارد و مناسبانه خواننده فارسی‌زبان هیچ‌گونه الفت ذهنی با آن ندارد. این موضوع - کمابیش - در مورد داستان‌سرایی معاصر مصر نیز صدق می‌کند. داستان‌نویسان مصری - که نامشان بیشتر آمد - و نویسندگان نام‌آور الجزایر، محمد دیب، مالک حداد و کاتب یاسین برای اثر عظیمی از فرهنگمداران ما می‌گنجانند. گروه نخست به زبان عربی و افراد اخیر به زبان فرانسوی، روح فرهنگ خود را در کالبد ادب جهانی ریخته‌اند و هر از جندی حصارهای ناگشوده، این پیکره را با ربودن حایره‌های جهانی به تسخیر خویش درمی‌آورند. بخش

دوم کتاب با فصل ششم: "بحران قهرمانی در تئاتر پایداری" آغاز می‌شود و پس از بررسی تقسیم‌ارسطویی تئاتر، به تئاتر پایداری و حماسی هم‌روزگار می‌رسد. ما، در اینجا گواه کالبدشکافی نمایشنامه‌های "سنت‌جان" برنارد شو، "مونتسرا" از امانوئل رولس، "آن‌زمان خواهد رسید" رومن رولان، و "خیش و اختران" شان اوکیسی هستیم. در پایان فصل تحلیلی از نمایشنامه‌های "شب‌های خشم" از آرمان سالاکرو - نویسنده فرانسوی - و "مگس‌ها" و "مردگان سی‌گور" ژان پل سارتر با دقت و حساسیت کم‌نظیری در برابر دیدگان ما جای می‌گیرد.

فصل هفتم، عنوان "قهرمان پایداری در تئاتر مصری" را بر پیشانی دارد که ویژه بررسی آثار نمایشنامه‌نویسان معاصر مصری همانند "عادل غضبان"، "لوئیس عوض"، "القرند فرج"، "عبدالرحمان شرقاوی"، "سعدالدین وهبه" و "یوسف ادیس" است. مولف در فصل هشتم: "قهرمان توده‌ای در نمایشنامه عربی" پس از مشخص کردن جایگاه شکسپیر و برشت در تئاتر جهانی و تأثیر این یک بر نمایشنامه‌نویسان عرب به آثار تئاتری کاتب یاسین - نویسنده بلندآوازه الجزایری - و نجیب سرور، نگارنده مصری پرداخته است. دکتر غالی شکری، زیبایی‌ها، بدایع و مینیاتورکاری این دو نویسنده را فرا رومیان می‌گذارد.

بخش سوم کتاب به شعر پایداری در جهان اختصاص دارد. این بخش چنین آغاز می‌شود: "اگر شعر، فن پایداری به صورتی عام یعنی تواناترین گونه ادب، بر سر کشیدن باده فاجعه و پایداری با آن در هنگام بایسته باشد، شعر پایداری فرانسه در گرم‌گرم جنگ جهانی دوم، جای ویژه‌ای را در سرآغاز فهرست‌هایی اشغال می‌کند که از نقش سخن‌سرایی در نبردهای میهنی برصد نازیم گزارش می‌دهند". در فصل نهم این بخش، شعرهای لویی آراگون و پیل السوار، روح انسانی و پایداران خود را به ما می‌نمایند. نیز از شاعران شوروی سخن به میان می‌آید و سپس گوهر نهفته در سخن‌سرایی یابلو نرودا، فدریکو گارسیا لورکا و ناظم حکمت چشمان مان‌را نوازش می‌دهد. در این فصل با "وایتز اروف" از

مقاومت ادبی

بلغارستان، شعر پایداری و پهنام و شعر میهنی آفریقا آشنا می‌شویم. در فصل دهم "دیدگاه قهرمانی در شعر پایداری مصری"، بررسی شعرهای گویش محلی مردم مصر و شاعران نوپرداز همچون عبدالرحمان شرفاوی، صلاح عبدالصبور و کامل ایوب را در دست داریم. "بعدهای قهرمانی در شعر و پایداری عربی" - فصل یازدهم - عمدتاً بر شعر مقاومت در فلسطین و جبهه‌های برجسته‌اش، محمود درویش و سمیع القاسم پرتو می‌اندازد. کارهای شعری نزار قبانی - سوری تبار - خام فدا، طوقان و معین بسسو - هردو فلسطینی - زیر ذره‌بین نقد جای می‌گیرد. فصل پایانی کتاب به نام "شهادت شعر آمریکایی" تحلیل بخشی از شعر معاصر آمریکایی است که رگه‌هایی از پایداری در برابر جنگ‌های نابکارانه آمریکا - همانند جنگ ویتنام - را با خود دارد. این شعر با داستان نویسی و نمایشنامه‌نگاری آمریکا مقایسه می‌شود. نمونه‌های شعری از "مارتون مارکوس"، "الیزابت یارنلت"، "هاری لوئیس" و چند تن دیگر از شاعران آمریکایی زینت بخش این فصل‌اند.

کار مترجم فارسی - دکتر محمدحسین روحانی - در برگرداندن اثر، تلاشی گرانقدر است. مترجم، کتاب را که دارای نثری ادبی و دشوار است به گونه‌ای به فارسی روان و ساده برگردانده که خواننده احساس نمی‌کند کتابی ترجمه‌شده را در دست دارد. صد صفحه پیوست پایان کتاب، فرهنگ واژگان کوچکی است که مترجم در اختیارمان سپرده است. وی کلمات قشنگ و شاعرانه‌ای را در نثر خویش آورده که برخی ریشه‌های محلی دارند؛ همانند "پرهیب" در برابر شبح، "سیم دادن" در برابر تهدید کردن، خودباختگی، گردنناک، ساعات نویسی و موبیگ‌های سرشت انسان. جنس می‌نماید که شرفارسی دکتر روحانی پس از چندین کتاب ترجمه و تالیف، به یک نثر تاریخی و ماندگار بدل می‌شود. جمله‌ها، گاهی به شعر نزدیک می‌شوند. برای نمونه در صفحه ۴۵ می‌خوانیم: "کوه خاموشی آب نشد" و در صفحه ۱۶۹: "سروده‌های سوگوارانه" او، تغییرهای فاجعه‌ساز ساعت‌های فروافتادگی پایداری‌اند.

کتاب سرشار از متن‌های فلسفی است که به فارسی ریسایی برگردانده شده‌اند. در

صفحه‌های ۲۰۲ و ۲۰۳ آمده:

"ولی این واقعیت (مرگ) پرشگاه قهرمانان پایداری نیست زیرا اینان "کار" زندگی خویش را در پرتو "جیستان هستی" یا "راز رازها" نمی‌آغازند چه شک یکی از عنصرهای ایشان نیست بلکه این "یقین" است که این هستی را به نکایو وامی‌دارد".

بی‌گمان مترجم شیوه خاصی را در فارسی‌نویسی دنبال می‌کند که در این کتاب و کتاب‌های پیشین ایشان به کار گرفته شده، اما در این شیوه تدریجی‌هایی نیز مشاهده می‌شود که شاید از نگاه ایشان برافتنده باشد. دکتر آریان‌پور در برابر "سبیل" و "سمولسم" واژه "نماد" و "نمادگرایی" را پیشنهاد کرده‌اند ولی مترجم، واژه "نمودگار" و مشتقات "نمودگاری" و "نمودگاری" و "نمودگاریان" را در برابر آن گذاشته‌اند که قدری زحمت می‌نماید. "نگارگری" در برابر "ترسیم کردن و محسم ساختن" به کار رفته که خود مترجم به علت ثقیل بودن آن بارها "نحس عینی" و "مجسم کردن" را نوشته‌اند. خواندن این جمله در صفحه ۴۸ نکته‌آلار را روشن می‌سازد: "نگارگری نمودگارهای دلخواه هنرمند".

مترجم محترم گوئیدهند در برابر واژه‌های حافظانده در زبان فارسی از واژگان زیر بهره‌گیری که به علت دیگرکارکردشان در زبان یا دور از ذهن بودن مایه آزار خواننده کتابند: جایگاه‌گیری به جای موضع‌گیری، آگاهی کردن: اعلام کردن، تیانچه‌زدن: سبیلی‌زدن، فرگشت: تکامل، حکومت‌های کندها: حکومت‌های موقت، نوامه بارور: هلال بارور، فریافت: مفهوم، پویش: حرکت، یادواره: خاطره، باستیگی: استقلال، راهبند: مانع، ارزباب: نایب و واژه‌های همانند اینها،

گاهی عکس این امر رخ داده و مترجم هردو واژه مشابه را به کار برده نظیر "جنون فقیران" و "سئون مهره‌ها"، "ظاهرات" و "نمایش‌های خیابانی" که احتمالاً برای تنوع در مفردات کلام بوده است. هم چنین مترجم می‌توانست به جای "اشبه" واژه "خنک" یا "خنک راهوار" و به جای "ماورای دریاها" کلمه، "آن سوی دریاها" و در برابر "مترج" "نمایشگر" را به کار برد. مساله دیگر به کارگرفتن واژه‌های

نوشت و ضربت به جای ضربه و نویسه (در جمله‌های نظیر به نویسه خویش) است که اگر قرار باشد در برابر هر "تای مدوز عربی"، حرف بزرگ "ت" را در فارسی به کار ببریم در این صورت باید حمیده، فوزیه، جمیله و مرصیه را به گونه "حمیدت"، "فوزیت"، "حمیلت" و "مرصیت" بنویسیم.

مترجم، واژه "الجزایر" و مشتقات آن را گاهی "الجزایر" و "الجزایری" و در جاهایی "جزایر" و "جزایری" و... ضبط کرده‌اند که با توجه به تغییر معنای کلمه و احتمال اشتباه شدن آن با "جزایر" عراق - منطقه‌ای میان واسط و بصره - بهتر است همان لفظ "الجزایر" و "الجزایری" ضبط گردد. برخی خطاهای جایی نیز در کتاب دیده می‌شود:

صفحه ۵۰۹، سطر ۱۳ "فکری فکری‌اش" آمده و در متن صفحه ۲۶۴ به پانوش شماره ۱) ارجاع شده ولی پانوش شماره ۲۴) دارد. نیز در صفحه ۲۵۷ به پانوش شماره ۱) ارجاع شده ولی پانوش شماره ۱۵) دارد. در مورد واژه "یاماگ" در صفحه ۵۰ سطر ۹ توضیحی وجود ندارد.

ناگفته نماند که این لغزش‌های جزئی، نقطه‌های بسیار ریزی هستند بر گلبرگ‌های گل شکوفان و عطرآگین نثر مترجم و از ارزش والای کتاب نمی‌کاهد. بی‌گمان گزینش آگاهانه و بشر آثاری از نافدان، داستان‌پردازان و سخن‌سرایان نوجو و پیشرو عرب به زبان فارسی، مردم ما را با دیگرچهره فرهنگ و ادبیات عرب - سیمای بالنده و انسانی آن - آشنا می‌سازد. این کار از ناشر نرنک خطرزای عرب‌ستیزی که در سال‌های اخیر - به سبب عواطفی چند - در میان یارهای از روشنفکران جای باز کرده، خواهد کاست و به ترویج اندیشه‌های انسانی، پیشرو و مقاوم - بی هیچ تعصب نژادی - کمک می‌کند. اندیشه‌ای که جامعه اکنون ما نیاز مبرم بدان دارد. آن‌هم در روزگاری که رومن رولان و نولوخوف از رده نویسندگی "اخراج" می‌شوند و محمود دولت‌آبادی صرفاً روایتگر قلمداد می‌شود و هنری حیمز و ویرجینیا ولف به مقام الوهیت در عرصه نویسندگی می‌رسند. در این بقعه بسته جغرافیایی و در چنین فضایی است که نخب محفوظ که سنتی از همه این قله‌های ادب است با شناخته می‌ماند و آثارش ترجمه -

نگارنده این سطور باور دارد که "ادب مقاومت" با کار مهم، درخشان و ماندگار مولف و مترجم به غنای ادب و زبان پارسی کمک خواهد کرد. برای نشر یاکیزه و ویراستاری سنجیده و چاپ خوب کتاب، کوشش ناشر محترم نیز درخور ستایش و قدردانی است.

در ادب مقاومت